

علیه قتل فرشته نجاتی بوسیله پدرش و اعتراض وسیع مردم مریوان و کانی دینار



فرشته نجاتی ۱۸ ساله قربانی جهالت و زن ستیزی مرد سالارانه و اسلامی شد. قوانین اسلامی ضد زن و مرد سالار کثیف جان او را به وسیله پدرش گرفت. ۲۶ مرداد ماه حدود ۲ هزار نفر از مردم مبارز شهرک کانی دینار و شهر مریوان با تجمع به هنگام تشیع جنازه فرشته نجاتی، با در دست داشتن ده ها پلاکارد و سر دادن شعار در محکومیت این جنایت و محکومیت قوانین اسلامی و

ضد زن تنفر عمیق خود را از این بربریت ابراز کردند.

ادامه اعتراض به قانون "حق سزا برای اولیا" و احتمال آزادی علی نجاتی بار دیگر مردم را را در ۳۰ مرداد به خیابانها آورد و مردم مبارز در شهرک کانی دینار و مریوان به اعتراض دست زدند. تعداد زیادی دستگیر شدند که با تلاش خانواده ها روز بعد آزاد شدند.

کارگران و سازمان مبارزه

برهان دیوارگر

اعتراضات کارگری ادامه دارد، هر روزه در هر گوشه کارگران در کارگاه های بزرگ و کوچک در اعتراض به وضعیت نابسامان خود دست به اعتراض میزنند، کارگران نساجی کردستان، لاستیک البرز، ذغال سنگ طیس، ایران خودرو، لامپ الوند قزوین، نساجی یزد و نیشکر هفت تپه و صدها تجمع اعتراضی دیگر در اعتراض به اخراج سازهایی گسترده، تعطیلی کارخانجات به بهانه های مختلف، عدم پرداخت دستمزدهای معوقه و شرایط نامناسب کاری صورت میگیرد. این اعتراضات کارگری بسیار ارزشمند و بجا میباشد اما چون تک صدا و بدون هماهنگی و بدون پشتیبانی کارگران کارگاه های مختلف صورت میگیرد کمتر به نتیجه قابل قبولی میرسد و دست رژیم را برای تعرض باز تر کرده است. **ص ۶**

صفحات دیگر

- کارگران و سازمان مبارزه - برهان دیوارگر **ص ۶**
- سپاه رزگاری، دکانی که مجدداً باز شده- اسماعیل ویسی **ص ۲**
- گارد آزادی در کردستان (بخش دوم)- سلام زیجی **ص ۳**
- ارادل و اوپاش واقعی- الناز معین **ص ۵**

اعتصاب غذا و زندانی "گرد"

کمیته کردستان حزب حکمتیست **ص ۲**



ساعات پخش: ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ هر شب به وقت تهران. تکرار: روز بعد ۲:۳۰ تا ۳:۳۰ بعد از ظهر، هات برد، کانال ۶

دو هفته یک بار
منتشر می شود

اکتبر ۷

دور پدید

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۸ شهریور ۱۳۸۷ - ۲۹ آگوست ۲۰۰۸

سر دبیر: رضا دانش Rz.Danesh@gmail.com

www.oktober.org

رژیم اسلامی و مردسالاری مسبب اصلی قتل و خشونت بر علیه زنان

اسد گلچینی

کشتن زنان و یا خودکشی و خودسوزی و خشونت بر علیه زنان ابعاد بیشتری در شهرها و روستاهای کردستان پیدا کرده است. آخرین مورد آن فرشته نجاتی ۱۸ ساله بود که با اعتراض و مبارزه وسیع مردم مبارز روبرو شد.

اگر از یک سو فقر و فلاکت، گرانی و بیکاری و عدم تامین اجتماعی، موجب پامال شدن هر چه بیشتر کارگران و مردم زحمتکش و در نتیجه خشونت و اعتیاد و جنایت است، از سوی دیگر قوانین و سنت های اسلامی و مردسالار است که این خشونت و جنایت بر علیه زنان را مضاعف کرده است. سرکوب زنان و رسمیت دادن به عنوان شهروند درجه دو فلسفه وجودی همه قوانین و افکار و سنت های ضد زن و ضد آزادی زنان است. جنبش زنان هیچگاه در مقابل این مجموعه لجن زار تسلیم نشده است.

رژیم اسلامی و مردسالاری رایج در جامعه هر روز در پی تحمیل شرایط تحقیر آمیز تری بر زنان است و آخرین آن، قانون حمایت از خانواده است که بر سر حامیانش باید کوبیده شود و منتقدین نیم بندش همچون کمپین یک میلیون امضایی، که با شرمندگی و زیر سایه همان قوانین ضد زن اسلامی و در حاشیه اظهارات و فتوای ایت الله ها، در برابر این وحشی گری و این رژیم اپارتاید جنسی اعتراضی میکنند را باید متوجه عمق همدستی شان با این ارکستر خون الود و ضد زن کرد.

اعتراض به قتل شهین و فرشته در مریوان پاسخ مستقیم و رادیکال مردم مبارز به این قوانین و وحشیگری اسلامی و مردسالار بوده است. این اعتراض فریاد هزاران فرشته و شهین دیگری بود که هر لحظه ممکن است به وسیله حامیان قوانین ارتجاعی و ضد زن مورد تحقیر، تجاوز، خشونت خانگی و یا خودکشی و قتل قرار بگیرند. حرکت های عمیقاً انسانی مردم آزادیخواه در مریوان پاسخ واقعی به این لشکر کشی ارتجاعی بر علیه زنان بود.

ص ۵

آزادی برابری حکومت کارگری

اعتصاب غذا و زندانی "گرد" کمیته کردستان حزب حکمتیست

تبریز و تهران و کرج اگر قرار است بر سر برپا دارندگانش ویران شود و اگر قرار است زندانیان را از آنجا ها آزاد کنیم، بیش از "گرد" ها بوسیله مردم آزادیخواه و رادیکال این شهرها شکسته خواهد شد و زندانیان بر دوش آنها آزاد میشوند همچنان که در سندج و مهاباد و ارومیه نیز چنین خواهیم کرد.

"حقوق بشر کرد" که بشر را به کرد محدود کرده است و چشم دیدن انسان های دیگر را ندارد و آدم های هم سرنوشت را نمی بیند مثل همیشه و در زندان هم عامل تفرقه، رنگ قومی زدن به هر اعتراض و هر مطالبه انسانی زندانی و عملا اشاعه دهنده افکار و اعمال ارتجاعی است.

قبلا "دانشجویان کرد" "زنان کرد" "کارگران کرد" "معلم کرد" داشتیم و "زندانی کرد" هم اختراع شد. اینها همه اجزا ساخته شده از طرف جنبش ناسیونالیستی است تا به مبارزه مردمی که درگیر با رژیم اسلامی و قوانین سرکوبگرانه اش هستند رنگ ملی و ناسیونالیستی بزند. این واقعیت نداشته و ندارد و زندانیان هم از این امر مستثنی نیستند.

۶ شهریور ۱۳۸۷

۲۷ آگوست ۲۰۰۸

بدهد که مردم برای آزادی تلاش کنند، خانواده ها پیگیری کنند و مردم حمایت کنند، در حالی که اعتراض زندانی دارد به کرد و ترک و فارس کانالیزه میشود و این عین تفرقه ای است که "حقوق بشر کرد" و رژیم دنبال آن هستند. منتسب کردن زندانیان به ملت ها و عشایر و مذاهب مختلف عین ارتجاع است و باید زندانیان و مردم آگاه از آن خودداری کنند. زندانیان باید آگاهانه از منتسب کردنشان به این بسته بندی های ملی دوری کنند و این در درجه اول به ضرر زندانیانی است که باید مورد حمایت توده ای قرار بگیرند تا آزادی شوند و یا موجب اعدامشان شوند.

واقعیت این است که اعتصاب غذا، اعتراض مناسبی نیست. این روش به جای تاثیر بر زندانبان زندانی را از بین میبرد. این روش را نباید اتخاذ کرد و توصیه ما به زندانیان این است که اعتصاب غذا راه حل مناسب مبارزه آنها نیست و راه های دیگری برای مبارزه خود انتخاب کنند. راه هایی که مطلقا زندانی را از منتسب کردن به ملت و قوم خاصی دور کند و صفی متحد و محکم همراه با اعتراض بیرون از زندان را پیش ببرند. این ها قابل حمایت هستند. زندانیان های

جریانات سیاسی در جریان است. یک ماه گذشته شهرهای کردستان شاهد اوج این مبارزات بود و مردم با حضورشان و با تاکید بر خواسته های انسانی و لغو حکم اعدام و آزادی زندانیان سیاسی مانع اعدام فرزند کمانگر شدند این بدون تردید باید ادامه داشته باشد. مبارزه در بیرون و در زندان باید ادامه داشته باشد و زندانیان بسیاری در برابر بی عدالتی ها و پاپوش دوزی ها پشت میله های زندانند و مبارزه میکنند اینها همه مقاومت و مبارزه را دامن زده است. زندانیان زیادی در زندانها هستند، از اسالو تا فرزند کمانگر و هانا عبدی و فرهاد حاج میرزایی تا دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و... تا زندانیان سیاسی محکوم به اعدام تا فعالین اول ماه مه که به زندان و شلاق محکومند و ... همه در برابر یک رژیم وحشی و جنایتکار قرار دارند که باید مبارزه ای توده ای و در همه اشکال ممکن برای آزادی آنها را دامن زد. این زندانیان و این تبلیغات تفرقه افکنانه و قومی "حقوق بشر کرد" را ببینید، چه ربطی به این فضای زندان و مبارزه مردم دارد؟ منفعت زندانی در این است که متحد باشد، شکنجه گر و بازجو و رژیم را ناکام کند و فراخوان

چند روز است خبر اعتصاب غذا ی زندانیان در زندان های ایران از سوی تشکیلات "حقوق بشر کرد" پخش شده است. خواسته های زندانیان که در ۶ ماده اعلام شده است، همگی آنها برحق اند و ربطی به کرد یا فارس و ترک بودن زندانی ندارد. بیانیه ای مستقل از سوی زندانیان داده نشده است. مطلبی در مورد اعتصاب غذا منتشر شده است که ربطی به اینکه کردها یا فارس های زندانی! دارند اعتصاب میکنند ندارد.

"مجموعه فعالان حقوق بشر" در آخرین اخبار خود از زندانها بر اعتصاب غذای تعدادی از زندانیان تاکید دارد و اضافه میکنند که همراه با زندانیان مورد نظر "حقوق بشر کرد" "زندانیان دیگر" هم در اعتصاب غذا هستند.

تلاشی که "تشکیلات حقوق بشر کرد" در این چند روزه کرده است چسباندن "گرد" و "زندانی کرد" به این اعتراض زندانیان است. اینکه زندانیان باید آزاد شوند، اعدامی ها باید بدون قید و شرط لغو شوند اینکه سران رژیم جنایتکار را باید در زندان نگاه داشت و زندانیان را آزاد کرد، مبارزه ای است که پیگیرانه از سوی همه مردم مبارز و بسیاری کانون و جمعیت و سازمان ها و

سپاه زرگاری، دکانی که مجدداً باز شده

اسماعیل ویسی

این سوال مطرح است که چطور شد که یک جریان تا مغز استخوان مرتجع مانند زرگاری، که حدود ۳۰ سال پیش از طرف رژیم بعث در عراق برای پارازیت انداختن در کردستان و در مقابله دو دولت با هم درست شد، باز هم احیا شد؟ البته این بار جالب است بنام حفاظت از خون شهدا! و برای کردایتی و البته برای جلوگیری از "اتمی شدن جمهوری اسلامی" سر هم بندی شده است. جالب است و این البته واقعی است و سرنوشت همه جریانات و سازمانهایی است که برای مقاطعی و برای اهدافی معین درست میشوند. دکان جدیدی که این بار با پول و امکانات آمریکا و برای جلوگیری از اتمی شدن ایران! درست شده است، مرتجعتر و افراشد منفورتر از آن هستند که یکبار دیگر بتوانند کوتاه هم شده خودی نشان بدهند. واقعا باید بر این گفته کورش مدرسی تاکید کرد که کردایتی آن اشغالدانی است که هر کثافتاتی را میتوانند در خود جا بدهد. اینها امروز خود را در جنبش کردایتی یافته اند و لابد فردا هم در حسرت دیالوگ با سران رژیم دست به زانو در انتظار خواهند ماند و برای دکان جدیدیشان وارد جبهه های کردی میشوند که بوسیله کومه له امروزه باد زده میشود. این هم جریان و سازمانی دیگر در کنار برادران و خواهران ناسیونالیست که به شکل های مختلف مورد استقبالشان است. اگر نیست اعلام کنید!

زرگاری و دارودسته های مشابه این از مذهبی و ناسیونالیست را که صرفا ابزارهای تحقق سناریویی سپاه برای مردم در ایران هستند را باید بدون تردید و هیچ ابهامی افشا و طرد کرد. اینها چه بعنوان سیاستمدار و چه بعنوان سلسله خاندانشان عمیقا ضد مردم، ضد کارگر، ضد زن و ضد جامعه انسانی بوده اند.

بر هر سازمان و جریان سیاسی و هر کانون دفاع از حقوق انسان است که در باره این پدیده حجری تازه شده برای تقویت جبهه ارتجاع افشاگری کند.

گارد آزادی در کردستان (بخش دوم)

سلام زیجی

جنگ و خطر سناریو سیاه

مقابله با فضای جنگی و خطر جنگ از میرمترین وظایف مردم و گارد آزادی در این دوره میباشد. تلاش و مبارزه ای که میتواند در ابعاد گسترده به این منظور در محلات و در مدارس و محیط کار به حرکت در آید و مبنای اتحاد مردم در سازمان و نهادهای مختلف مخالف جنگ و جمهوری اسلامی واقع گردد. سازمان گارد آزادی و متشکل شدن حول آن بر علیه سناریو سیاه و فضای جنگی و جنایت و عوامفریبی جمهوری اسلامی در پرتو این فضا، میتواند یکی از آن تشکلهای و سنگرهای محکم و انقلابی باشد که مردم در محلات و مدارس و محیط کار و روستاها و... سازمان دهند. در بطن این تلاش و مبارزه ممکن و واقعی است که دسته های وسیع گارد آزادی شکل بگیرد و آنرا سازمان داد.

احزاب و نیروهای کرد ناسیونالیست تماما در کنار حمله امریکا قرار گرفته اند و در حسرت تکرار سناریو سیاه عراق در ایران و کردستان بسر میبرند. نیروهای کرد اسلامی بن لادن ی و مفتی زاده و انصار و غیره نیز در کنار جمهوری اسلامی و از این فضا دارند استفاده میکنند و با شروع هر اتفاقی در همراهی با جمهوری اسلامی نهایت ظرفیت و حسیگری خود را به نمایش خواهند گذاشت.

از اینرو در کردستان ایران چنانچه ما و مردم دست بالا پیدا نکنیم به یکی از کانونهای اصلی سناریو سیاه و جنگ و خونریزی گسترده تبدیل خواهد شد. این واقعیت را باید گفت و مردم بر علیه این روند و این جریانها آماده شوند.

بنظر من هیچ نیروی سیاسی و هیچ انسان آگاه، سالم و شرافتمندی امروز نباید خواهان حمله امریکا و شروع جنگ باشد. نمیتوان و نباید در حسرت و آرزوی تبدیل ایران به عراق امروز بسر برد. نباید نه در همسوئی جمهوری اسلامی و نه در صف نیروهای طرفدار امریکا

و جنگ قرار گرفت. هر نیرو و انسانی که اندکی از سیاست سر در آورد و از تجربه و تاریخ تاکنونی چیزی آموخته باشد و منافع جامعه و مردم مبارز و زحمتکش را مینا سیاست و اهداف خود قرار داده باشد نه تنها خواهان چنین سناریویی نخواهد بود که به روشنی می فهمد جمهوری اسلامی با چند حمله امریکا و اسرائیل و بمب باران چند مرکز نظامی و اقتصادی ولو کوبنده از بین خواهد رفت.

بر عکس بیش از پیش در مقابله با مردم وحشی تر و قویتر خواهد شد. همچنان که در طول سالهای اخیر نیز نفس فضای جنگی تماما به نفع جمهوری اسلامی تمام شده است و رژیم از این فضا برای سرکوب مردم معترض و راه انداختن ماشین آدمکشی و اعدام و تحمیل فقر و گرسنگی و تداوم عمر ننگین خود نهایت استفاده را برده است.

همراهی با این پدیده خطر ناک ضدیت با منافع کارگران و زحمتکشان است. موقعیت و رویداد مهمی است که تکلیف موافق و مخالف را روشن میکند. صف و جایگاه نیروهای انقلابی و ضد انقلابی، نیروهای مردمی و ضد مردمی و سرانجام ماهیت نیروهای مدافع سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و نیروهایی که میخواهند از راه گشتار مردم و جنگ و خونریزی و نوکری برای امریکا یا جمهوری اسلامی در جایی به قدرتی برسند را بدون تردید از هم جدا خواهد کرد. این واقعیت و تصویر مهم است که به آگاهی و تصویر جامعه تبدیل شود.

در چنین شرایطی ما با یک پدیده سرنوشت ساز، که سرنوشت سی سال مبارزه و تلاش و قربانی دادن با جنایتکارترین رژیم های این دوره از تاریخ، جمهوری اسلامی، در آن رقم میخورد روبرو هستیم.

گارد آزادی بعنوان نیرویی که در سنگر دفاع از مدنیت و امنیت سیاسی و اجتماعی مردم قرار دارد و چنین شناخته شده است باید بر علیه این پدیده خطرناک به مقابله بر خیزند و حول این پرچم

مردم آزادیخواه میتوانند برای دفاع از خود و برای مقابله با این روند در ابعاد میلیونی در شهر و روستا و محل کار با ایجاد واحدهای گارد به مبارزه و اعتراض و مقاومت خود شکل بدهند و متحد شوند.

اولین قربانیان این فاجعه که، جمهوری اسلامی و امریکا و نیروهای ناسیونالیست عامل و بانی آن میباشند، مردم و مبارزات تاکنونی آنها برای رسیدن به آزادی و سرنگونی جمهوری اسلامی خواهد بود. گارد آزادی محمل و سنگری است که جوانان و مردم آزادیخواه حول آن میتوانند متشکل شوند و مانع وقوع چنین جنایتی شوند و راه رسیدن به آزادی و سرنگونی جمهوری اسلامی را با مبارزه خود هموار و ممکن کنند.

گارد آزادی درست در نقطه مقابل این روند و برای مبارزه با آن و در راستای منافع و امنیت مردم و حراست از یک جامعه انسانی تشکیل شده است. در صورتی که مردم در این صف متحد شوند بدون تردید مانع از وقوع این جنایت و تحمیل سناریو سیاه به جامعه خواهند شد. و در صورت وقوع این جنایت نیز صف و سنگر محکمی بر علیه نیروهای درگیر در این روند میتوان ایجاد کرد و مانع دست درازی کاتگسترهای اسلامی و قومی و امریکائی به منافع خود شد.

در اوضاع خطیر کنونی مهمترین و فوریتزین وظیفه گارد آزادی و فوریتزین وظیفه گارد آزادی مقابله با این روند است. برای پیشرفت در این امر باید در ابعاد وسیع این سیاست و فراخوانها را به میان مردم برد و از مردم و جوانان مبارز خواست که واحدهای گارد آزادی را تشکیل دهند و به گارد آزادی به پیوندند.

فضای جنگی کنونی و خطر جنگ و عاملین و مدافعان آن را باید بعنوان بزرگترین خطر و یک روند تماما ضد مردمی تلقی و معرفی کرد. این امر مهم و حیاتی را همین امروز باید انجام داد.

فردا دیر خواهد شد!

ضرورت مسلح شدن در کردستان

همانطوری که بارها توضیح داده ایم گارد آزادی یک نیروی صرفا نظامی نیست. تمام مواردی که در بالا و در بخش اول این مطلب اشاره شد الزاما ربط مستقیمی به اسلحه و مسلح شدن ندارد. یک مبارزه سیاسی و ملیتانت است که جزئی از میانی و وظایف پایه گارد آزادی است در این دوره و در ابعاد سراسری جامعه ایران. نیرویی است ملیتانت، متحد کننده، آزادیخواه، مخالف سرسخت جمهوری اسلامی و جنگ طلبی امریکا و پروژه های قوم پرستانه و مذهبی و... گارد آزادی چه در شکل مسلح و چه غیر مسلح بدون ایفا چنین نقشی نمیتواند گارد آزادی باشد و حتی زمینه اجتماعی گسترش خود و ملزومات مسلح شدن خود را نیز فراهم نماید. با این نگاه به گارد و با اتکا به این میانی است که ما میتوانیم در شرایط ویژه هر دوره و یا منطقه خاصی در خصوص عملکرد و وظایف گارد به تناسب موقعیت و ضرورت خاص آن منطقه و تناسب قوای موجود آرایش و وظایف متفاوتی در نظر گرفته شود. جامعه کردستان یکی از این موقعیت ها و ویژه گیها است که از نظر من موقعیت گارد را در این دوره از نظر شکل سازمانی و وظایف و خصلت مسلح بودن آن با سایر نقاط در ایران متفاوت خواهد کرد.

وقتی به جامعه کردستان میرسیم، علیرغم تمایل ما، ما با فاکتورهای دیگری روبرو میشویم که این فاکتورها خصلت مسلحانه بودن گارد را در کردستان بیشتر برجسته میکند و دقیقا خود این فاکتورها است که ما را موظف میکند که ابعاد سیاسی و ملیتانت فعالیت گارد را گسترش دهیم و از این مسیر ملزومات سازمان دادن واحدهای ورزیده نظامی و قوی گارد را در ابعاد وسیع فراهم کنیم. این ویژه گیها عبارتند است از: شرایط جنگی و فضای نظامی که جمهوری اسلامی سی سال است به آن جامعه تحمیل

آزادخواه است. نیروی که بعنوان ارتش کارگران و توده های زحمتکش در مقابل هر ارتجاعی خواهد ایستاد. این نیرو و سنت مبارزاتی گارد آزادی است که مدتهاست فعالیت خود را شروع کرده است. باید آنرا تقویت کرد، سازمان داد و به آن پیوست.

جا انداختن سنت جدیدی در شکل مبارزه ملیتانت و مقاومت و مبارزه سیاسی و مسلحانه توده ای به یک ضرورت سیاسی و یک نیاز مبرم مبارزاتی توده کارگر و زحمتکش جامعه کردستان تبدیل شده است. سنتهای ناسیونالیستی بیش از هر زمانی به منافع مردم بربط تر شده است. کارگر و زن و جوان و همه آزادیخواهان در کردستان به ایجاد فوری نیروی مسلح خود در شهر و روستا و مراکز کار و غیره نیاز مبرم دارند. چنانچه بخواهیم آینده خود را خود تعیین کنیم از امنیت و آسایش و آزادیهای سیاسی برخوردار باشیم و به یک جامعه انسانی برسیم و از آن حراست کنیم بدون متشکل شدن و آمادگی مسلح شدن هزارها و دهها هزار انسان آزادیخواه در صف گارد آزادی در کردستان ممکن نخواهد شد.

و بدین ترتیب گارد آزادی بعنوان نیروی صف انقلابیون و آزادیخواهان جامعه کردستان باید وسیعاً گسترش پیدا کند و از هم اکنون زمینه مسلح شدن خود را فراهم نماید و بخش هایی از آن هم اکنون مسلح گردد. هر کمونیست و انسانی که تشنه آزادی است و برای پیروزی مبارزه میکند نباید یک لحظه هم در تحقق این هدف کوتاهی کند!

۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳

S_zijji@yahoo.se

برای خنثی کردن و مقابله با تهدیدات مسلحانه جنایتکاران اسلامی و قلدری و زور گویی هر نیروی مسلحی باید خود را متشکل کرد، به مبارزه برخاست و نیروی مسلح خود را سازمان داد. ضروری است که مردم و نسل جوانان انقلابی به این حقیقت آگاهی داشته باشند که احزاب موجود قومی و نیروی "پیشمرگ" احزاب ناسیونالیست واقعاً نیروی مدافع و حافظ خواستهای پیشرو و انقلابی جامعه کردستان نیستند. محصول یک تاریخ دیگری میباشند. با مبارزه و اهداف و زندگی امروز یک جامعه انسانی و پیشرفته همخوانی ندارند. نیروی مدافع سرمایه داران و زوگویی هستند که امروز بخش عمده آن نیرو و سنت مبارزه مسلحانه ناسیونالیستی عملاً به ابزار دست امریکا در منطقه تبدیل شده اند. این سنت نباید جایگاه مثبتی در ذهن مردم و نسل جوان داشته باشد و تصور کنند که مبارزه خود را با جمهوری اسلامی از این طریق میتوانند به پیش ببرند. حامی هیچ گوشه ای از منافع کارگر و زن و جوان و جنبش آزادیخواهان را نمایندگی نمیکند. باید راه و افق دیگری را انتخاب کرد. به حکمتیستها باید پیوست و نیروی دیگری را سازمان داد.

نیرویی که به سنت مبارزاتی خود مردم و به مبارزه روزمره و به حال و آینده مردم شرافتمند مرتبط و مربوط باشد. نیرویی که ملیتانت است و ابزار اعتراض و مقاومت مردم مبارز است، پتانسیل هر لحظه مسلح شدن را دارد.

هیچ منفعی جدا از منافع جامعه انسانی ندارد. نیرویی که ابزار دست خود کارگر و مردم

حیاتی است برای مقابله با این روند نیز بیش از پیش سنتهای مبارزه آزادیخواهانه، از جمله شکل توده ای مبارزه ملیتانت و انقلابی و متشکل و همچنین مقاومت و مبارزه توده ای مسلحانه، که به خود مردم و اهداف آزادیخواهانه متکی میباشد. تقویت کرد و گسترش داد. مردمی که یک عمر است تحت شدیدترین سرکوبگریهای یک حکومت اسلامی ضد انسانی قرار دارد و بر علیه آن مبارزه میکند نمیتواند و نباید امروز به هستی خود، به آرمان و آرزوهای خود پشت کند و به امید نیروهای خود گمارده ناسیونالیست و قومی که بی شرمانه در رکاب امریکا و با امید به قلدری نظامی آن میخواهند به نان و نوایی برسند در انتظار بسر ببرد و سکوت اختیار کند. ناسیونالیستها در تلاشند که بجای نیروهای جمهوری اسلامی اینبار به نام "کرد"، "ملت کرد"، "پیشمرگان کردستان"، "دمکراسی امریکائی" و ... بر مردم حکمرانی کنند و شهر و روستا و مدنیت جامعه را به همت جنایات امریکا و وحشیگری جمهوری اسلامی به جهنمی مانند عراق امروز تبدیل کنند. باید به مقابله آن برخاست و ابزار و مکانیزم خنثی کردن این خطرات را سازمان داد. ما قاطعانه اعلام میکنیم که در مقابل این روند ضد مدنی خواهیم ایستاد. مردم آزادیخواه کردستان مسئول و موظف هستند در این نبرد و تلاش متحد و گسترده به میدان بیایند. در همراهی با ما و با ایجاد واحدهای گارد آزادی این پروژه ضد مردمی را با شکست مواجه کرده و نیروهای حامی این سناریو را هر چه بیشتر طرد و منزوی کنیم!

کرده است. مسلح بودن نیروهای راست و ناسیونالیست کرد که امروز نیز تماماً در کنار امریکا و صف سناریو سیاه قرار گرفته اند. در کردستان اسلحه عملاً با سیاست گره خورده است. ما کمونیستها در کردستان بدلیل تحمیل جنگ جمهوری اسلامی و احزاب قومی کرد به سازمان و جنبش ما و جامعه، سابقه تاریخی در مقابله و مقاومت مسلحانه بر علیه جنایت و زور گویی و پامال کردن حقوق مردم از جانب این نیروها را داریم. دست بردن به اسلحه و زور گویی جریانات ناسیونالیست و اسلامی علیه ما و تجربه برخورد مستقیم مسلحانه و کشتار کارگران و نیروهای کمونیست از طرف آنها و ... از جمله فاکتورها متفاوتی هستند که کارگران و کمونیستها و گارد آزادی را ناچار میکند که باید از توان و قدرت توده ای و پتانسیل مسلح قدرتمندی برخوردار باشد. از اینرو بنظر من باید با تمام توان در تمام شهرها و روستاها و مراکز کار مردم آزادیخواه چنین واحدها و قدرتی را سازمان دهند و ملزومات مسلح کردن خود را فراهم کنند و در ارتباط با ما قدمهای بعدی فعالیت را منسجم و گسترده خواهند کرد. از نظر من کوتاهی و درنگ در آن اشتباه محض و غیر قابل جبران خواهد بود.

همچنان که اشاره شد واقعیت جامعه کردستان و اضافه بر آن، شرایط خطرناک جنگی و فضای جنگی ما را موظف میکند با اتکا به سنت و سیاستهای خود بسیار جدی تر در کردستان گارد آزادی را گسترش دهیم و بخش عمده این نیرو فوری مسلح شوند. در ادامه سنتهای کمونیستی و آزادیخواهانه تاکنونی در جامعه کردستان

ادامه کاری تلویزیون پرتو نیازمند کمک مالی شما است.
سیمای حقیقت، سیمای آزادی و برابری، سیمای کارگر و سیمای سوسیالیسم

تلویزیون پرتو

حقایق ایران و جهان و راه نجات از نکتت جمهوری اسلامی را
از تلویزیون پرتو بشنوید.

به سیمای آزادی و برابری کمک مالی کنید.

دارنده حساب: A.T
کد پانکی: ۲۰ ۵۸۵۱

شماره حساب: ۶۰۲۸۱۷۱۹
نام بانک: Barclays

رژیم اسلامی و مردسالاری ...

اسد گلچینی

... ارکستر خون الود اسلامی و مردسالاری و ضد زن را باید این چنین حرکاتی که پیامش را به عمق جامعه برده است پاسخ بدهد. فرشته ها و شهین ها از میان ما رفتند ولی پیام این مبارزه و اعتراض در مریوان و کانی دینار، به هر خانه و اداره و مرکز کاری برده شد. زنان و مردان آزادیخواه در مریوان اعلام کردند که این جنایت ها را نه تنها از رژیم با همه قدر قدرتی و سرکوبش نمی پذیرند، بلکه اعتراضشان بر علیه هر نوع مرد سالاری بوسیله برادران، شوهران و پدران تبدیل به مبارزه ای متشکل شد. این جبهه انسانیت و دفاع از حقوق زنان باید بوسیله زنان و مردن بسیار بیشتری در همه شهرها تقویت شود. این راه نجات جامعه و همه زنان و مردان آن است. فعالیت برای تغییر و جارو کردن

قوانین اسلامی و مردسالار در محیط زندگی، در محله و محل های کار یک رکن کار ماست. خشونت بر علیه زنان در عمق جامعه مرد سالار و اسلام زده نهفته است. در عمق سنت های مرد سالار ناسیونالیستی و

میان ما اتفاق میفتند، اینها جنایتکاران و در واقع قربانیانی هستند که محصول استثمار، فقر، سرکوب و خفقان و جهالتی است که بر آنها میروود و آنها پذیرفته اند. جنبش ما برای رهایی زنان و برای آزادی جامعه باید نیروی متشکل کمونیستی داشته باشد. باید نیروی زنان و مردان

باید نیروی زنان و مردان آزادیخواه را به مبارزه ای رادیکال و بدون تخفیف به اسلام و سنت های ناسیونالیستی و عقب مانده رایج و بر علیه همه دست اندرکاران خشونت بر علیه زن جلب کرد، و مبارزه ای بی امان را در همه اشکال و بوسیله کانون و جمعیت های مبارز پیش برد.

آزادیخواه را به مبارزه ای رادیکال و بدون تخفیف به اسلام و سنت های ناسیونالیستی و عقب مانده رایج و بر علیه همه دست اندرکاران خشونت بر علیه زن جلب کرد، و مبارزه ای بی امان را در همه اشکال و بوسیله کانون و جمعیت های مبارز پیش برد.

حزب حکمتیست را باید بیش از پیش تقویت کرد چرا که حزب است که ماندگارتر قادر به ادامه

مذهبی است. رژیم اسلامی و قوانین جنایتکارانه اش بر علیه زنان و سنت های مرد سالارانه در جامعه بزرگترین حامی کشتن زن، آزار و تحقیر آنها از همان اوان جنینی و تولد است. نظام استثمارگر سرمایه داری است که حامی و بانی همه اینهاست، پدر فرشته و برادر شهین و شوهر بهاره هیچ کدام بیمار روانی نیستند، آنها و صد ها مورد دیگر که هر روزه در

فعالیت و مبارزه ای متشکل و آگاهانه در شرایط مختلف است. کمونیستها و انسانهای رادیکال زیادی هستند که هر چه بیشتر به حزب باید جلب شوند و بعنوان فعالین این عرصه ها سازماندهی شوند. شرایط میتواند اشکال فعالیت و سازمانیابی را تغییر دهد ولی چنانچه حزب داشته باشیم باز هم میتوان نوع دیگری ادامه داد.

این راه نجات طبقه کارگر، زنان و جامعه در مبارزه و دفاع از حق و حقوق و مطالبات کوچک و بزرگ است. این راه مقابله رادیکال برای توقف این خشونت ها، خودکشی ها و قتل هاست و این راه توقف افسار گسیخته اسلامی، مردسالارانه و ناسیونالیستی بر علیه زنان است و مدافعین اینها را باید عمیقا شناساند و افشا کرد. منتقدین نیم بند یک میلیون امضایی و ناسیونالیست ها از جمله اینها هستند.

ارازل و اوباش حقیقی

الناز معین

در طول حیات جمهوری اسلامی بارها شاهد دستگیری زندان، شلاق و هتک حرمت افراد زیادی به اسم ارازل و اوباش بوده ایم و همواره رژیم با استفاده از این حربه آزادیهای فردی و جمعی شهروندان جامعه را محدود و سعی در مرعوب کردن مخالفان کرده است. اما از دید رژیم ضدانسانی ایران ارازل اوباش چه کسانی هستند؟

کارگری که به خاطر حقوق معوقه اش به اعتراض و اعتصاب می پردازد، دانشجویانی که برای خواسته های صنفیشان تجمع می کنند زنانی که خواستار حقوق انسانی خود هستند و خواسته های نا چیزی چون: حق طلاق، حق حضانت و... دارند، معلمان که خواستار افزایش حقوق برای امرامعاش و ادامه زندگی هستند و حتی جوانی که می خواهد پیشش اش را به میل خود انتخاب کند، انسانهای آزاده ای که خواهان منع استثمار کودکان هستند و بالاخره هر کسی که در قبال هموعان خود احساس مسئولیت کند و برای آزادی آنان در تلاش باشد ارازل و اوباش خوانده میشود.

در مقابل این گروه مزدوران نیروی انتظامی، سپاه پاسداران، نیروهای بسیج و جانبان اطلاعات که به طور وحشیانه و غیرانسانی جوانان و فعالین اجتماعی و سیاسی و حقوق بشر را مورد شکنجه قرار می دهند و در هر ساعتی از شبانه روز به بهانه های مختلف مانند مور و ملخ از در و دیوار منازل مردم بالا می روند و خانه ی آنان را به یک مخروبه تبدیل می کنند و در نهایت بخشی از وسایل خانه که نظرشان را جلب کرده بدون هیچ توضیحی به همراه خود می برند، به این مزدوران جمهوری اسلامی باید آخوندها ی حوزه ی علمیه و کسانی که بخاطر همکاری با رژیم صاحب خانه، ویلا، ماشین و ثروت های کلان شده اند اضافه کرد.

ارازل و اوباش حقیقی رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران جنایتکارش هستند که امنیت مردم را به زیر سوال برده اند نه انسان های مبارزی که خواهان حقوق انسانی خود و هموعانشان می باشند. و این عین حقیقت است.

ترس و نگرانی از جنبشهای وسیع و رادیکال اجتماعی باعث شده است رژیم با این ترفند به قلع و قمع مخالفان خود دست بزند و کارگران و زحمتکشان و مخالفان خود را وادار به عقب نشینی کند این و حشیرگریها تنها بخاطر ترساندن مردم است و با این چرت و پرت ها میخواهند پایه های حکومتشان را قوی کنند.

این اعمال غیرانسانی تنها باعث به رشد اعتراضات و قویتر شدن جنبشهای اجتماعی خواهد شد. متأسفانه پراکندگی اعتراضات و مبارزات مردمی یکی از عوامل عدم موفقیت آن است و سرکوب شدن آن را برای جمهوری اسلامی آسانتر می کند و پس از هر اعتراضی دوباره همان فضای خفقان حاکم میگردد.

فعالین اجتماعی، سیاسی و مردم آزادیخواه و برابری طلب باید با هم متحد شوند و علیه حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی بپا خیزند و سیاستهای قرون وسطایی آن را افشا کنند.

اساس سوسیالیسم انسان است

کارگران و سازمان مبارزه

برهان دیوارگر

... کارگران نساجی کردستان علیرغم اینکه در چند سال گذشته برای رسیدن به خواسته‌های خود بارها دست به اعتراض و اعتصاب گوناگونی زده اند و در این راه مورد ضرب و شتم و هجوم مامورین رژیم قرار گرفته و زندان هم رفته اند اما معلوم است که توان محدودی دارند و نمیتوانند آن فشاری را که لازم است اعمال کنند، امروز کارگران نساجی کردستان در اعتراض به تعطیلی کارخانه اعتراض دارند و این اعتراض با حمایت کارگران نساجی شامو، فرش بافت غرب و پرریس واقع شده است. حرکت مهمی است اما باز هم کافی نیست و تأثیر لازم و آنی را نخواهد داشت. نمایندگان کارگران نساجی باید با دیگر مراکز کارگری تماس برقرار نمایند و حمایت کارگاه‌های مربوطه را از اعتراض خود جلب نمایند. حمایت‌هایی که بتواند به کارگران کمک کند به خواسته‌هایشان برسند، حمایت واقعی و زنده لازم است. ما باید این اعتراضات را در هر جایی که ممکن است سازمان بدهیم و رژیم را تحت فشار بگذاریم. کارگران نفت، فولاد، آب، برق، گاز و ماشین سازی در این موقعیت که رژیم با تمام توان به جنگ کارگران آمده است لازم است که به میدان بیایند و از

اعتراضات کارگری در هر جایی که اتفاق میافتد حمایت کنند این توقع زیادی نیست امروز نوبت کارگران نساجی است فردا روز نوبت کارگاه‌های دیگر هم میرسد و اگر امروز همه دست روی دست بگذاریم فردا دیر است و دیگری کاری جز تاسف از دستمان برنماید. در قزوین اعتراض میشود باید در تبریز و تهران و مشهد و اصفهان و سنندج و سراسر ایران این اعتراضات مورد حمایت قرار بگیرد. در اعتصاب کارگران شرکت واحد که رانندگان اتوبوس اعتصاب کردند کل رژیم را دستپاچه کرد تمام ارگانه‌های رژیم از نیروی زمینی ارتش تا سپاه و بسیج و وزارتخانه‌های مختلف بسیج شدند تا بتوانند مردم را جا به جا نمایند اما نتوانستند. بازداشت کردند، زندانی کردند، تهدید کردند زنان و کودکان کارگران را مورد ضرب و شتم قرار دادند اما فایده‌ای نداشت اعتصاب شده و فشار لازم وارد شده بود رژیم هم خودش فهمیده بود که نمیشود با این جور اقدامات مردم را جابه‌جا کرد درمقطی هر چند کوتاه اما عقب نشینی کرد چون میدانست در صورت تداوم این روند مردم هم اعتراض خواهند کرد و این بار نمیشود با بازداشت چند نفر "غانله" را ختم کرد پس اگر ما در صورت هر اعتراض کارگری در هر نقطه‌ای از ایران به کمک هم بشتابیم و از همدیگر حمایت کنیم و فشار را

بر روی رژیم و سرمایه داران از نقاط گوناگون وارد کنیم این فشارها متمرکز شده و این بار رژیم نماینده را برای مذاکره میفرستد نه مامورین را برای ضرب و شتم کردن و زندانی کردن نمایندگان، در این جا وظیفه بس سنگینی بر دوش فعالین و نمایندگان جنبش کارگری در سطوح مختلف وجود دارد آنهم فراهم ساختن راه و کار چگونگی متحد کردن کارگران در بعد سراسری. ملاقات نمایندگان منتخب کارگران در کارگاه‌های مختلف میتواند این سد را شکسته و راه را بر تشکیل شوراهای سراسری کارگری هموار کند و این بار با اتحاد و همبستگی سراسری میتوانیم به تمام خواسته‌های خودمان برسیم چون خواسته‌های ما یکی است و تنها راه نجات ما اتحاد است.

صاحبان سود و سرمایه با حمایت دولت و نهاد‌های سرکوبگرش فعالین کارگری را به جرم اعتراض و درخواست مطالبات انسانی‌شان زندانی و شکنجه میکنند کارگران را به جرم اعتراض به بیکاری و اخراج به گلوله میبندند، به جرم شرکت در مراسم اول مه به شلاق و زندان محکوم مینمایند و از ابتدائی ترین حقوقشان محروم میکنند و فقر و نابرابری را بشدت رواج داده اند و در وحشیانه ترین شکل ممکن میلیونها نفر را مورد استثمار قرار داده اند.

مسئله مهم دیگر، لزوم اتحاد و مبارزه بر علیه بیکاری است، هرچه کارگر بیکار بیشتر کار ارزان تر و در نتیجه سود بیشتر در جیب سرمایه دار و حامی اصلیش دولت میرود امروزه آمار اخراج‌ها بالا است، یک روز ۵۰۰ کارگر نوشابه ساسان و ۶۰ کارگر پروژه راه آهن را اخراج میکنند و امروز با تعطیل کردن کارخانه نساجی کردستان نوبت این کارگران است، نوبت همه میرسد و باید اقدام کرد و چاره‌ای اندیشید باید مقابله کرد همه کارگران بیکار و شاغل مبارزه علیه بیکاری را باید در دستور کار خود بگذارند فرقی ندارد امروز نوبت من است فردا نوبت بقیه میباشد، پس باید فعالین کارگری و نمایندگان منتخب با برقراری تماس با یکدیگر این امر مهم اتحاد و هماهنگی را به سر انجام برسانند و سر این که در هر اعتراضی با هم و متحد عمل کنند و فشار بیشتر و سازمانیافته تری را بر سرمایه داران و دولتشان برای کار و یا بیمه بیکاری مکفی بیاورند به توافق برسند. این راه حل طبقه ما بر علیه شرایطی است که برای استثمار بیشتر، کارگر ارزان و بر علیه خاموشی بیشتری است که تحمیل شده است. این بحث را بیشتر دنبال خواهیم کرد.

borhandivargar2006@yahoo.com

برای نجات جان فرهاد متحد شویم

<http://sosfarhad.blogfa.com>

تلاش برای آزادی روناک صفار زاده و هانا عبدی

<http://soswoman.blogfa.com>

کمپین برای آزادی فرزاد کمانگر

<http://hra-iran.org/campin/farzad.html>

کمپین دفاع از کمال شریفی

www.4rojhelat.org/index.php?id=3047

دبیر کمیته کردستان

اسد گلچینی

agolchini@yahoo.com

مسئول روابط عمومی کمیته کردستان

اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

www.hekmatist.com

<http://partowtv.com>

www.oktoberr.org

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

مرگ بر جمهوری اسلامی